

نقدی بر سخن امام جمعه اهواز درباره پوشش زنان

25 دی 1400

گروه جامعه / امام جمعه اهواز گفته است «منشاء بسیاری از مزاحمت‌ها برای زنان نوع پوشش آنهاست.» اما مسئله این است که «پوشش تحریک‌کننده»، مصداق فرازمانی ندارد. آنچه امروزه در جمهوری اسلامی حجاب مقبول قلمداد می‌شود، در عصر ناصرالدین شاه حجاب نامقبول یا همان «بدحجابی» بود.

به گزارش ایسنا، جمشید گیل در ادامه یادداشت خود در «عصرایران» نوشت: مثلاً اگر زنی در عصر قاجار با پوشش زنانی که مجری برنامه‌های تلویزیون جمهوری اسلامی‌اند، در جامعه ظاهر می‌شد، حکومت قاجار و پیش از آن خود مردم با او برخورد می‌کردند.

بنابراین هیچ عیب نیست پوششی که امروزه از نظر امام جمعه اهواز منشاء مزاحمت **مردان برای زنان** است، ۲۰ سال دیگر مقبول امام جمعه بعدی اهواز باشد.

مگر نه اینکه پوشش متعارف و مقبول در جامعه کنونی ایران، متفاوت از پوشش متعارف و مقبول دهه‌های ۶۰ و ۷۰ شمسی است؟

وانگهی، بسیاری از زنانی که در ایران زن بدحجاب قلمداد می‌شوند، حجابشان بیشتر از دخترانی است که به دلیل محجبه‌بودن حق ورود به فلان دانشگاه اروپایی را پیدا نمی‌کنند. این یعنی اگر آن دختر محجبه از اروپا به ایران بیاید، باز هم بابت پوشش‌اش مواخذه خواهد شد.

معمولاً وقتی یک زن مسلمان به دلیل حجابش از ورود به دانشگاه یا محل کارش در فلان شهر اروپایی منع می‌شود، افرادی نظیر امام جمعه شهر اهواز، اروپایی‌ها را به اسلام‌ستیزی متهم می‌کنند. اما طنز ماجرا اینجاست که اگر آن زن با همان میزان حجاب اختیاری‌اش بخواهد مثلاً در یکی از دانشگاه‌های ایران درس بخواند، در صورتی که بر نوع پوشش‌اش اصرار داشته باشد، متهم به ستیزه با اسلام می‌شود!

بسیاری از **دختران مسلمان** و محجبه فرانسوی، روسری یا مقنعه دارند ولی لباسشان آستین‌کوتاه است. آنها را به دلیل موی ناپیدایشان به این یا آن دانشگاه فرانسه راه نمی‌دهند، اما اگر در ایران هم باشند، به دلیل ساعد هویدایشان حق ورود به دانشگاه را نخواهند یافت! آنجا مقنعه دردرساز است و اینجا آستین کوتاه.

مراد از مثال فوق این است که بگوییم حجاب عمیقاً تابع زمان و مکان است. حجابی که در ایران امروز مقبول حکومت اسلامی است، در ایران عصر قاجاریه مقبول حکومت نه چندان اسلامی قجرها نبود. حجابی که در ایران برای امام جمعه اهواز نامقبول است، اگر در فرانسه رایج شود، مایه شادی امام



واقعاً اگر از فردا همه زنان انگلیسی و فرانسوی و آمریکایی با پوشش زنان به اصطلاح «بدحجاب» جامعه ایران در لندن و پاریس و نیویورک و واشنگتن قدم بزنند و در محل کارشان ظاهر شوند، آیا کسانی که در ایران مدام نسبت به رعایت حجاب اسلامی هشدار می‌دهند، از شادی فریاد سر خواهند داد که زنان جهان غرب به اسلام روی آورده‌اند؟

حال که چنین است، پس چرا این قدر مته به خشخاش بگذاریم؟ آن دختری که به خاطر نوع پوشش‌اش راهی ماشین گشت ارشاد می‌شود، اگر پوشش‌اش در نیویورک فراگیر شود، نیویورک تبدیل به شهری می‌شود که رنگ و بوی اسلام فقهاتی به خود گرفته است.

در واقع امام جمعه اهواز و بسیاری از آقایان و خانم‌های حساس به مسئله حجاب، به این نکته توجه ندارند که در ایران امروز حداقل لازم پوشش اسلامی، در پوشش زنان وجود دارد. اگر اسلام شریعت سهله و سمحه است، چرا در پی حداکثری کردن این حداقل لازم باشیم؟

وقتی که تلاش برای حداکثری کردن این حداقل لازم پوشش اسلامی، آب در آسیاب دین‌گریزی می‌ریزد، چرا باید چنین سعی بی‌حاصلی در دستور کار قرار گیرد؟

چرا همیشه نیمه خالی لیوان را نگاه کنیم؟ در ایران هیچ زنی بدون روسری یا شال یا چادر یا مقنعه از خانه بیرون نمی‌آید. قانون چنین حکمی کرده و زنان هم، با هر عقیده‌ای، قانون را رعایت می‌کنند. چرا امام جمعه اهواز این قسمت [قصه حجاب](#)، یعنی نیمه پر لیوان را نمی‌بیند؟

وقتی که زن ایرانی با سر و بدنی بسیار پوشیده‌تر از زنان سایر کشورهای دنیا از خانه خارج می‌شود و باز هم عده‌ای در خیابان مزاحمش می‌شوند، آیا منصفانه است که به او بگوییم اگرچه محجبه بودی ولی حجابت محرک بود؟

زنی که قانون را رعایت می‌کند، چه با اعتقاد چه بی‌اعتقاد، آیا نباید در پناه قانون باشد و از این حیث احساس امنیت کند؟ اینکه امام جمعه اهواز، منشاء مزاحمت‌های خیابانی را پوشش پوشیده‌ترین زنان دنیا می‌داند، چه ربطی به قانونگرایی و نظم و امنیت برآمده از آن دارد؟

آیا زن مسلمان ایرانی یا هر زنی در جمهوری اسلامی، نباید احساس کند حمایت حکومت شامل اوست؟ اگر جواب مثبت است، پس چرا یک روحانی ذی‌نفوذ باید به گونه‌ای سخن بگوید که مردان مزاحم را

خوش آید و آنان را جری‌تر سازد؟

*منبع : ایسنا / کد خبر: 1400102518072